اندیشه های عرفانی پروین

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

پروین(رخشنده)اعتصامی در اسفند 1285 در تبریز پای به عرصهء هستی نهاد.استعداد شگرف‏ شاعرانه‏اش از همان دوران کودکی شکوفا شد و در هشت سالگی نخستین شعر خود را سرود.او پس‏ از گذراندن تحصیلات متوسطه به تدریس ادبیات‏ فارسی و انگلیسی مشغول شد و دیوان اشعارش را در سال 1314 منتشر کرد.بررسی دقیق‏ سروده‏های پروین نشان می‏دهد که در تمام اشعار او حتی یک شعر حشو و زائد و سطحی و غیر جدی وجود ندارد و این خود بیانگر این است که‏ سراینده آنها همچون مربی عرفان و اخلاق در مقام‏ ارشاد و هدایت اندیشه‏ها گام برمی‏دارد.از دیگر ویژگیهای اشعار پروین اعتصامی این است که در همهء دیوان او بیش از دو یا سه تخلص یافت‏ نمی‏شود که آن هم در مقام سرزنش خویش بوده نه‏ مطرح ساختن خویشتن.و این امر نهایت تواضع و مقام معنوی و روحانی او را می‏نمایاند.در هشتاد و سومین سالروز تولدش به چاپ نوشتاری دربارهء افکار و اندیشه‏های عرفانی و اخلاقی او خواهیم‏ پرداخت.

اشعار و سروده‏های پروین اعتصامی،مشحون ازمعانی بکر و ناب و عاری از حشو و زواید،مصون‏ از خیالبافیهای افسانه‏ای است.او در سنین جوانی‏ و در حالیکه سی و هفت بهار از زندگانی‏اش‏ می‏گذشت،آنچنان سخنان منطقی و حقایق‏ حکیمانه را گفته است که اگر فردی او را نشناخته‏ باشد تصور می‏کند که سقراط،افلاطون،یا لقمان‏ و سلمان است که لب به سخن باز گشوده است و مردم را مشمول افاضات علمی خود قرار داده‏ است.او اهداف و مقاصد جدی خود را با آوردن‏ تمثیل و قرینه و تشبیه به موجودات و پرندگان به‏ مخاطب خود،انتقال می‏دهد و در انتخاب مثال از واقعیتهای ملموس زندگی،استفاده می‏برد.

روح لطیف و حساس او در مسائل عاطفی‏ مانند:مادر،کودک،یتیم،مظلوم...اوج می‏گیرد و فوق‏العادگی خود را نشان می‏دهد و از عمق‏ جان و کنه عواطف و احساسات بشر دوستی سخن‏ می‏راند که نظیر آنها را کمتر در دیوانی به این کثرت‏ در خورد یکدستی می‏توان مشاهده نمود و اگر از معاصران خواسته باشیم نظیر و قرینی به او پیدا نمائیم جز همشهری نامدارش،شهریار ملک‏ ادب،فرد دیگری را نمی‏توان نظیر او یافت و دربرخی از موارد از شهریار هم عمقتر،سوزناک‏تر و دلنشین‏تر می‏سراید.

پروین اعتصامی در طول دیوان خویش،از ریا، تزویر،سالوس،رشوه و وارونه نشان دادن حقایق که‏ دستگیر عصر زندگی او بوده است،فراوان ناله سر می‏دهد و شدیدترین حملات خود را نثار آن‏ می‏نماید.با اینکهاو در تاریک‏ترین اعصار اختناق‏ رضاشاهی زندگی می‏کرد و خود جوانی دردمند بود، ولی در اثر تألمات روحی و حوادث تلخ زندگی در همان برهه از جوانی رخت از این سرای سپنج‏ بر بسته و طائر قدسی او به آشیان ابدی پیوسته‏ است.او در غنا و پربارسازی مضامین اشعار خویش به چند منبع پر فیض و حکمت استناد ورزیده است و منبع الهام او بیشتر آیات و روایات و گفتار حکمای پیشین بوده است که تنها در محور نخستین به چند مورد از آنها اشارتی می‏رود و جا دارد در دو محور دیگر نیز تحقیق و بررسی کاملی، صورت پذیرد آنچنان که مبانی عقیدتی،فلسفی،و محرومیتها و فشارهای زندگی او نیز قابل تعمق و دقت است.

بهره‏گیری از آیات

یکی از خصوصیات بارز اشعار و سروده‏های‏ اندیشه‏های‏ عرفانی‏ پروین‏ عبدالرحیم عقیقی بخشایشی روین،بهره‏گیری از آیات کریمه و نورانی قرآنی‏ می‏باشد که بر حشمت و شکوه سروده‏های او دو چندان افزوده است و او را در جوانی در ردیف اشعر شاعرات عصر خویش قرار داده است،لقبی که‏ علامه قزوینی با آن لقب او را ستوده است.این‏ بهره‏برداری در جای جای دیوان او منعکس و جلوه‏گر می‏باشد که ما به نمونه‏هایی از آن اشاره‏ می‏کنیم:

ید بیضا

او در نخستین قصیده از دیوان خود جایی که با سرآغاز:

«ای دل عبث مخور غم دنیا را فکر مکن نیامده فردا را»

شروع می‏گردد در ضمن بیتی می‏گوید:

«ساحر فسون و شعبده انگارد نور تجلی و ید بیضا را

این بیت به خصوص کلمه اخیر آن اشاره مستقیم‏ به داستان معجزات حضرت موسی(ع)دارد که یکی‏ از آنها«ید بیضاء»بود که از آستین بیرون می‏آرود و چشمان ناظران را خیره می‏کرد و در قرآن کریم آمده‏ است:

«فنزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین»

هنگامی که دست خود را بیرون کشید ناگاه او درخشنده و درخشان و خیره کنندهء تماشاگران بود.

(القصص)

لباس تقوا بهترین پوششها

او قصیدهء:

یکی پرسید از سقراط،کز مردن چه خواندستی‏ بگفت ای بی‏خبر،مرگ از چه نامی زندگانی را

پس از بیان حقایق حکمت‏آمیز توأم با اندرز و توصیه‏های منطقی می‏گوید:

به جای پردهء تقوا که عیب جان بپوشاند ز جسم آویختیم این پرده‏های پرنیانی را

این کلمه پردهء تقوا،اشارهء صریح به آیه شریفه‏ای‏ دارد،جایی که در سورهء اعراف می‏فرماید:

«یا بنی آدم قد انزلنا عیکم لباسا یواری سواتکم و ریشا و لباس التقوی ذالک خیر ذلک من آیات‏ الله لعلکم یذکرون»

(اعراف/26)

گواهی دادن دست و زبان و دیگر اعضا و جوارح

باز در همین قصیده آمده است:

در آن دیوان که حق حاکم شده و دست و زبان،شاهد نخواهد بود بازار و بها چرب زبانی را

این بیت اشاره به دادگاه عدل الهی در سوره‏ رستاخیز دارد،جایی که اعضا و جوارح به اعمال‏ فرد گواهی می‏دهند که در قرآن کریم آمده است:

«و قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا»

به پوستهای‏ خود گویند چرا بر ضد ما،شهادت و گواهی‏ دادید؟یا آیهء شریفه دیگری که می‏فرماید:

«شهد علیهم سمعهم و ابصارهم و جلودهم...»

(فصلت/20)

خوردن و خوابیدن

او در قصیده«سیل فتنه»می‏سراید:

ای کنده سیل فتنه ز بنیادت‏ وی داده باد حادثه بر بالدت

تنها نه خفتن است و تن آسانی‏ مقصود از آفرینش و ایجادت

این ابیات اشاره به حکمت‏آمیز بودن خلقت‏موجودات است که در آیه شریفه قرآنی آمده است:

«افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون»

آیا گمان می‏برید که شما را عبث و بیهوده خلق و ایجاد نموده‏ایم و شما ره سوی ما برگردانده نخواهید شد.آیا با خواب و خوردن می‏توان به وظائف‏ شرعی،اجتماعی و انسانی قیام نمود؟

(مؤمنون/115)

أعمی و نابینا

و در قصیده«هنر و علم کیمیاست»گوید:

اعمی است گر بدیدهء معینش بنگری‏ آن کو خطا نمود و ندانست کان خطاست

ز آن گنج شایگان که به گنج قناعت است‏ مور ضعیف گر چه سلیمان شود رواست

این بیت اشاره به آیه شریفه‏ای است که به افرادی‏ که حقایق را نادیده می‏گیرند(أعمی)اطلاق نموده‏ است،مانند آیات

«قل هل یستوی الأعمی و البصیر ام هل تستوی الظلمات و النور»

(رعد/16)

دزد و دربان:

ای دوست،دزد حاجب و دربان نمی‏شود گرگ سیه درون،سگ چوپان نمی‏شود

جز در نخیل خوشهء خرما کسی نیافت‏ جز بر خلیل شعله گلستان نمی‏شود

این شعر اشاره به آیه شریفه

«قلن ایا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم»

دارد که خداوند متعال‏ می‏فرماید:

گفتیم ای آتش نسبت به ابراهیم خنک و سالم‏ باش...

آئینه مقنی

مترس از جانفشانی گر طریق عشق می‏پویی‏ چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی

اشاره به داستان استقبال اسماعیل از خواب و رؤیای صادقهء پدر است که او را امر به ذبح‏ می‏نمود:

«یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ما ذا تری قال یا أبت افعل ما تؤمر ستجدنی انشاء الله من‏ الصابرین»

(صافات/102)

عصا و اژدها در قصیده آینهء معنی

عصا را اژدها بایست کردن شعله را گلزار تو با دعوی گه ابراهیم و گاهی پور عمرانی

اشاره دارد به عصای حضرت موسی(ع)و داستان‏ گلستان شدن آتش به ابراهیم خلیل الرحمن به امر خدای متعال

ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن‏ تیرگیها را از این اقلیم بیرون داشتن

همچو موسی بودن از نور تجلی تابناک‏ گفتگوها با خدا در کوه هامون داشتن

اشاره به آیهء شریفهء

«فلما تجلی ربه للجبل جعله‏ دکا و خر موسی صعقا

می‏باشد.

(اعراف/143)

بزرگی داد یک درهم گدا را که هنگام دعا یاد آر ما را

یکی خندید گفت این درهم خرد نمی‏ارزید این بیع و شراء را

به وقت بخشش و انفاق پروین‏ نباید داشت در دل،جز خدا را

اشاره به آیه شریفه‏ای در مورد اهل بیت(ع)است‏

و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا

(الانسان/8) احساسات و هنرمندیهای شاعرانه او وقتی اوج‏ می‏گیرد که به داستان موسی و مادر او می‏رسد و به‏ دریا افکندن و سالم ماندن موسی را از الطاف‏ جلیله حق تعالی می‏داند و این اشعار«لطف حق» تفسیرگونه‏ای بر آیات شریفهء قرآنی است که بیش از صد مورد از قرآن مجید به ویژه در سورهء شریفهء «القصص»در آیات 7 تا 10 آن سوره آمده است‏ جایی که می‏فرماید:

«و اوصینا الی أم موسی ان‏ ارضعیه...و اصبح فؤاد أم موسی فارغا»

آمده‏ است.پروین می‏سراید:

مادر موسی چو موسی را به نیل‏ درفکند از گفتهء رب جلیل

خود به ساحل کرد با حسرت نگاه‏ گفت کی فرزند خرد و بی‏گناه

گر فراموشت کند لطف خدای‏ چون رهی زین کشتی بی‏ناخدای

گر نیارد ایزد پاکت به یاد آب و خاکت را دهد ناگه به باد

در دست بانویی به نخی گفت سوزنی‏ کی هرزه گرد بی‏سر و بی‏پا چه می‏کنی؟

ما می‏رویم تا که بدوزیم پاره‏ای‏ هر جا که می‏رسیم تو با ما چه می‏کنی؟

خندید نخ که ما همه جا با تو همدمیم‏ بنگر به روز تجربه،تنها چه می‏کنی؟

تا اینکه گوید:

پندار من ضعیفم و ناچیز و ناتوان‏ بی‏اتحاد من تو توانا چه می‏کنی؟

این قطعه از شعر اشارهء صریحی به آیه شریفه‏

«و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا»

دارد که‏ قرآن همه را به اعتصام به رشته وحدت الهی فرا می‏خواند و از پراکندگی و تفرقه بر حذر می‏دارد.

(آل عمران/103)

در مثنوی خان کرم وقتی از نعمتهای الهی سخن‏ می‏راند و آنها را در پیش چشم تماشاگر مجسم‏ می‏سازد اشعاری تحت این عنوان دارد:

ما نمی‏گوییم سائل در مزن‏ چون زدی این در،در دیگر مزن

آنکه بر خوان کریمان کرد پشت‏ از لئیمان بشنود حرف درشت

آن درشتی کیفر خودکامهاست‏ ورنه بهر نامجویان نامهاست

هیچ خودبین،از خدا خرسند نیست‏ شاخ بی‏بر در خور پیوند نیست

این اشعار مضمون آیاتی است که خداوند بنده را تنها به سوی خود می‏خواند و می‏فرماید:

«ادعونی‏ استجب لکم»

یا آیهء دیگری که می‏فرماید:

«یا ایها الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان‏ الله یغفر الذنوب جمیعا»

...

این موارد بازگو شده و بسیاری از موارد ناگفته و بازگو نشده حدود بهره‏برداری و تأثیرپذیری پروین را از قرآن مجید نشان می‏دهد و اینگونه استفاده‏ها و استعاره‏ها در دیوان پر از انوار پروین،فراوان آمده‏ است که تتبع وسیع آنها مجال بیشتری را می‏طلبد.